انعطاف‌پذیری مؤمنانه در مواجهه با ابتلائات
(تحلیل فقه الحدیثی روایت «خامة الزرع»)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

کوثر حلال‌خور[۱]
داود صائمی[۲]
داود معماری[۳]

چکیده

بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی از جمله مسائلی که همواره بشر را با چالش روبرو می‌کند تنوع ابتلائات و شیوه رویارویی با این سنت الهی است. در منابع روایی شیعی و سنی، در تشبیهی زیبا، خامة الزرع بودن مومن و یا به عبارتی انعطاف مومنانه به عنوان راهکار رویارویی پیروزمندانه در برابر حوادث خطیر و امتحانات الهی ارائه شده است. این مقاله با شیوه توصیفی – تحلیلی، با تاکید بر روایت خامة الزرع، انعطاف‌پذیری مومنانه را به عنوان یک نوع کنش رفتاری مطلوب از سوی انسان در موقعیت‌های ناخوشایند ابتلاء به نقمت پیشنهاد می‌کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ایمان که نقش اساسی در سامان یافتن معرفت و عمل مومن دارد و او را در مسیر بندگی الهی نگه می‌دارد، در همین راستا عامل اصلی در انعطاف‌پذیری او در مواجهه با حوادث و ابتلائات است تا مومن در صحنه‌های خطیر آزمون‌ها نشکند و پیروزمندانه به حیات معنوی خویش ادامه دهد.

کلیدواژه‌ها: ابتلاء، حدیث خامة الزرع، ایمان، انعطاف‌پذیری، فقه الحدیث.

---

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (kosar_halalkhor@yahoo.com).
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکدهٔ علوم قرآنی شاهرود(Da.saemi@quran.ac.ir).
۳. استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی‌ﷺ قزوین(memari@ISR.ikiu.ac.ir).

۱. بیان مسأله

یکی از موضوعات اساسی که در پیچ‌وخم زندگی بشر خودنمایی می‌کند و او را در معرض انتخاب و موضع‌گیری قرار می‌دهد سنت آزمایش و ابتلائات است که در قرآن کریم تحت عنوان «بلاء»، «فتنه» و «امتحان» از آن یاد شده است. در نظام فکری قرآن کریم، ابتلاء سنت الهی است که مبدأ آن خداوند و مقصد آن عموم انسان‌ها هستند. ابتلاء با اهداف و مصالحی محقق گشته و موضع‌گیری انسان‌ها در برابر آن سرنوشت اخروی مبتلایان را رقم خواهد زد. خداوند براساس غایت آفرینش انسان و ویژگی‌های وجودی وی، او را در صحنه‌های گوناگون زندگی می‌آزماید[۱] و تمام اشیاء و موجودات عالم وسیله این امتحان و سنجش انسان هستند که در بعضی از موارد به وسیله امور تکوینی و گاهی نیز به‌وسیله امور تشریعی انجام می‌گیرد؛[۲] همچنان‌که در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

مَا مِنْ قَبْضٍ وَ لَا بَسْطٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهِ مَشِيئَةٌ وَ قَضَاءٌ وَ ابْتِلَاءٌ.[۳]

به دیگر بیان، همه انسان‌ها در معرض آزمایش الهی قرار دارند و هیچ فردی از نوع بشر از این قانون مستثنی نیست.[۴] خداوند در آیه دوم سوره عنکبوت به‌صراحت از امتحان به عنوان یک سنت الهی یاد می‌کند که همه انسان‌ها به نوعی بدان مبتلا می‌شوند. این آیه بیانگر این است که وقتی کسی مدعی سخن و باوری است می‌بایست نشان دهد که تا چه اندازه در این سخن و باور صادق و به تعبیری قول و فعلش یکی است. قول و سخن هر کسی به معنای اظهار باورها و اعتقادات اوست، وقتی قولی را اظهار می‌کند در حقیقت باور و اعتقاد و ایمانی را اظهار کرده است. چنین شخصی می‌بایست در عمل نشان دهد که در باور خویش صادق است و این صداقت تنها در فعل قابل شناسایی است. از این رو در هنگام امتحان، شخص ثابت می‌کند تا چه اندازه اهل صداقت است و میان قول و فعل او تطابق و هماهنگی وجود دارد. این امتحانات در مواردی با شداید و ناملایماتی مانند فقر، بیماری، مرگ و ... همراه است[۵] و گاهی نیز انسان با نعمت‌های مادّی مانند سلامت، ثروت

---

۱. سوره انسان، آیه ۲.
۲. سوره کهف، آیه ۷؛ سوره بقره، آیه ۱۵۴.
۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۵۲.
۴. سوره ملک، آیه ۲.
۵. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

و ... آزموده می‌شود.[1] امام خمینی در چهل حدیث آورده‌اند:

> بلاء، اختبار و امتحان است و در نیک و بد استعمال می‌شود. بالجمله هر چه حق- جلّ جلاله ـ به آن بندگان خود را امتحان فرماید، بلاء و ابتلا است؛ چه از قبیل امراض و اسقام و فقر و ذلت و ادبار دنیا باشد یا مقابلات آن‌ها، که بسا باشد که انسان به کثرت جاه و اقتدار و مال و منال و ریاست و عزت و عظمت امتحان شود.[2]

امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز در این خصوص می‌فرمایند:

> خداوند روزی گسترده را با فقر و بیچارگی درآمیخت و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد، دوران شادی و سرور را با غصه و اندوه نزدیک ساخت، اجل و سرآمد زندگی را مشخص کرد، آن را گاهی طولانی و زمانی کوتاه قرار داد... تا آزمایش گردند.[3]

بنابراین با توجه به اجتناب‌ناپذیر بودن این موقعیت‌ها و نیز در نظر گرفتن مسئله بداء و نیز وجود شرور در عالم هستی «آدمی کاری جز پذیرا بودن آنها نمی‌تواند انجام دهد و اگر واکنش مناسبی از خود نشان دهد این موقعیت‌ها تبدیل به فرصت‌هایی می‌شود که شاید این فرصت‌ها در غیر این مواقع تاثیر چندانی بر زندگی او نمی‌گذاشت. نتیجه آنکه برخورد مناسب با این موقعیت‌ها می‌تواند انسان را به رضامندی از زندگی برساند».[4]

۱-۱. واژه‌شناسی ابتلا

ضرورت مرزبندی و بازشناسی حوزه این عکس‌العمل از محدوده ضعف، سستی، وادادگی و نفاق بسیار مهم و خطیر است. واژه ابتلاء یکی از واژه‌های مهم و حساس قرآنی است که فهم دقیق معنای آن در دریافت معارف این کتاب وحیانی تاثیر به سزایی دارد. این واژه و مشتقات آن ۳۸ مرتبه در ۲۵ سوره و ۳۵ آیه از قرآن کریم به کار رفته است. واژه ابتلاء در قرآن مفهوم عامی است که با تعابیر دیگری چون فتنه، امتحان، تمحیص و ... نیز اشتراک مفهومی دارد. صاحب مجمع البحرین، ذیل مادّه «ب ل و» می‌نویسد:

---

۱. سوره فجر، آیه ۱۵ و ۱۶.
۲. چهل حدیث، ص۲۰۴.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۹۱، ص۱۶۹.
۴. «ایمان و رضامندی»، ص۲.

بلا به معنای امتحان کردن و اصل آن از محنت بـه معنـای سـختی و آزمـایش اسـت. آزمـون خـدای تعالی از بندگان گاهی بـا نـعمت‌ها و آسایش و مال و سـلامتی اسـت، تا سپاس گزارند و شکر کنند و گاهی با ضررها و زیان‌ها و امراض است، تا پایـداری و صبر پیشه کنند و اجر ببرند.[1]

«ابتلاء» آزمون همراه با سختی و تحمل امور ناخوشایند برای انسان است[2] و امکان دارد از راه خیـر یـا شـر باشـد.[3] تعلـق «ابـتلا» بـه صـدور و «تمحـیص» بـه قلوب در آیـه ﴿وَلِيَبْتَلِيَ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾[4] بدین دلیـل است کـه هـدف در ابتلا آزمودن و جداسازی اخلاق و ضمایر خیر و خوب از شر و بدی و هـدف در «تمحیص» پاکسازی دل‌هـا از عقاید و گمان‌های باطل است.[5]

راغب در المفردات «بلا» را به «کهنه شدن» معنا کرده است:

این مطلب دو امر را در بردارد: ۱ـ آزمایش به قصد علم پیدا کردن به چیزی کـه امـر آن پنهان است، ۲- به قصد ظهور و آشکار شدن خوبی‌هـا و بـدی‌هـای یـک شـیء. در مـورد خـداوند، قسمت دوم درست است. تکالیف الهی نیز از جهاتی بـه بـلاء تعبیـر شده است؛ زیرا تمام تکالیف به‌گونه‌ای بـرای تن و جسم مشکل است، از ایـن جهـت سبب فرسودگی جسم می‌شود.[6]

صاحب مقاییس اللغة نیز آورده است:

بلوی دو اصل دارد: ۱. کهنگی و فرسودگی، ۲. امتحان و اختبار.[7]

«بلاء» (از واژه‌های هم خانواده با ابتلاء) هم از راه خیر (نعمت‌ها) است و هـم از راه شرّ (بلا و گرفتاری).[8]

---

۱. مجمع البحرین، ج۱، ص۶۱؛ مجمع البیان، ج۱، ص۱۰۵.
۲. معجم الفروق اللغویه، ص۱۰ و ص۱۳۹.
۳. الکلیات، ص۳۴.
۴. سوره آل‌عمران، آیه ۱۵۴.
۵. التحریر و التنویر، ج۳، ص۲۶۱.
۶. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج۱، ص۳۰۹.
۷. معجم مقاییس اللغة، ص۲۹۲.
۸. کتاب العـین، ج۱، ص۱۹۳؛ تهـذیب اللغـه، ج۱۵، ص۳۹۱؛ الصـحاح تـاج اللغـه و صـحاح العربیـه، ج۶، ص۲۲۸۵؛ المصباح المنیر، ج۲۲، ص۶۲.

۱-۲. ابتلا؛ سنت مستمرالهی

مسئله حائزاهمیتی که درباره بلا و آزمایش باید بدان توجه داشت این است که با توجه به آیه ﴿وَ نَبلُوَکُم بِالشَرِ وَ الخَیرِ فتنَه﴾،[1] بلا در معنای عام (خیر و شر) استعمال شده است. به عبارت دیگر، بنا به دو آیه دیگر قرآن[2] عنوان بلا هم برای نعمت به کار می‌رود و هم برای نقمت.

> همچنان‌که انسان بیمار به بیماری مبتلا است، انسان سالم نیز به سلامت مبتلا است. در عالم هیچ‌چیزی یافت نمی‌شود که به بلا مبتلا نباشد. گاهی خداوند سبحان آنان را با سلامت امتحان می‌کند تا ببیند او شاکر است و از این نعمت بهره می‌گیرد یا نه و گاهی او را به مرض می‌آزماید تا ببیند او صابر است یا نه.[3]

درباره دنیا و مسئله آزمایش باید مد نظر داشت که هیچ مفهومی خارج از امتحان، حقیقت مجزایی ندارد. فقر ماهیتی خارج از امتحان ندارد، همین‌طور ثروت؛ این موارد فقط در فضای امتحان تصویر پیدا می‌کنند. سخن گفتن از امتحان سخن گفتن از احکام الهی نیست، بلکه سخن گفتن از بستر تلفیق دستورات خدا و رفتارهای انسان است. بایدها و نبایدها وقتی در ظرف امتحان به انسان متصل می‌شوند و از انسان رفتار خاصی را می‌خواهند معنای خودشان را پیدا می‌کنند. سخن گفتن از امتحان، سخن گفتن از بستر دینداری است. فرد و جامعه هر دو امتحان می‌شوند. حضرت علی علیه‌السلام در خطبه قاصعه می‌فرمایند:

> **و لکِنَّ اللهَ یَختَبِرُ عِبادَهُ بِأَنواعِ الشَّدائِدِ وَ یَتَعَبَّدُهُم بِأَنواعِ المَجاهِدِ وَ یَبْتَلِیهِمْ بِضُرُوبِ الْمَکَارِهِ إِخْرَاجاً لِلتَّکَبُّرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ؛**[4]

> خداوند بندگان خود را به انواع شداید می‌آزماید و با دستورات سختی که به آن‌ها می‌دهد، به بندگی وادارشان می‌کند و به ناخوشایندها آزمایششان می‌نماید تا خودپسندی را از دل‌هایشان بزداید.

پس عوامل تقدیری و تشریعی الهی هر دو برای امتحان است؛ امتحانی که هدفش این است که از اول عمر تا آخر، تکبر را از قلوب مؤمنین خارج کند. امتحان فرآیند دائمی اخراج تکبر است از دلِ موجودی به نام انسان که تولیدکنندهٔ دائمی علف هرزهٔ تکبر است.

---

۱. سوره انبیاء، آیه ۳۵.
۲. سوره فجر، آیه ۱۵ و ۱۶.
۳. تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۳۶۰.
۴. نهج البلاغة (صبحی صالح)، ص ۲۹۴.

البته باید توجه داشت که:

> یکي از عوامل تنیدگي و فشار رواني در برابر اتفاقات زندگی، احساس بی‌معنا بودن حوادث است. کسانی که در سختی‌ها و بلاها بی‌تاب می‌شوند، نه‌تنها موقعیت ناخوشایند را بی‌معنا می‌دانند بلکه ارزیابی منفی نیز از آن دارند. معمولاً چنین افرادی سختی‌های زندگی را ناعادلانه، بی‌دلیل، رنج بی‌حاصل، مزاحم و به‌خصوص اهانت‌آمیز ارزیابی می‌کنند. در تصور این افراد، مال و ثروت نشانه «کرامت» است و محرومیت نشانه «خواری».[1] آنچه موجب تشدید فشار روانی می‌گردد، همین ارزیابی‌هاست. در این ارزیابی‌ها، معنای بلاها منفی ارزیابی می‌شوند و این ارزیابی بر رنج موقعیت ناخوشایند می‌افزاید؛ اما اگر انسان به معناداری کارها، هر چند دشوار و سخت، باور داشته باشد، آن‌ها را تحمل خواهد کرد. ناکامی در یافتن معنا، از مهم‌ترین عوامل تنش‌زاست. بخشی از آیات قرآن کریم به فلسفه بلاها و مصیبت‌ها پرداخته است؛ به عنوان نمونه می‌توان گفت که مهم‌ترین معنای بلاها، خاصیت «رشد دهندگی» آن‌هاست.[2] دنیا و زندگی در آن برای آزمودن است و آزمودن، برای ساخت شخصیت انسان‌هاست. در این زندگی گرفتاری‌هایی وجود دارد که بشر را به واکنش وامی‌دارد و چگونگی واکنش او موجب پرورش استعدادهای نهفته می‌شود.[3][4]

بنابراین هر کس به ناچار باید سلاحی را برای مواجه با دشواری‌های امتحان و آزمایش در هر دوره‌ای از زندگی خویش برگزیند. این انسان و نوع بینش و تفکر او است که مشخص می‌کند با امتحان چگونه برخورد کند و از چه ابزاری برای مقابله با این سنت همیشه‌جاری خداوند در همه عرصه‌های زندگی خویش استفاده کند. در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام روش‌های متعددی معرفی و بیان شده است که آشنایی و شناخت صحیح آن‌ها برای بروز واکنش مؤمنانه در این مواقع لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

بلا و امتحان در روایات، جنبه‌های مختلفی دارد که اگر به این جنبه‌ها توجه شود مسیر زندگی بشر عوض خواهد شد؛ همچنان‌که راه‌های برون‌رفت موفق از این آزمون‌های الهی در

---

۱. سوره فجر، آیه ۱۵ و ۱۶.
۲. سوره ملک، آیه ۲.
۳. سوره بقره، آیه ۵۵.
۴. «بررسی و تحلیل شادکامی از منظر قرآن»، ص ۱۲.

متون روایی نیز معرفی شده‌اند. یکی از انواع واکنش‌هایی که انسان در رویارویی با ابتلائات و آزمایش‌ها از خود بروز می‌دهد، انعطاف‌پذیری است.

در حدیث شریف نبوی ﷺ آمده است:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِئُهَا الرِّيَاحُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِئُهُ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَّةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفَهُ قَصْفا؛[1]

مؤمن در مواجه با ابتلائات و بلایا همانند ساقه نرم گیاهی است که با انعطاف پذیری در برابر بادهای تند، خم می‌شود، ولی نمی‌شکند؛ اما منافق چون عصایی آهنین و غیرمنعطف، اگرچه با مصائب خم نشود، ولی طوفان مرگ به یک‌باره او را ریشه کن خواهد ساخت.

این حدیث، بیان‌گر کارایی عامل انعطاف‌پذیری مؤمنانه در برابر آزمایش‌های الهی است و راهکار برون‌رفت صواب و موفقیت‌آمیز مؤمن از آزمایش را داشتن انعطاف‌پذیری او معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، برای پیروزی در ابتلائات سخت و دشوار، از نگاه متون اسلامی، عوامل متعددی دخیل هستند که در این حدیث شریف به یکی از مهم‌ترین عوامل، یعنی کنش رفتاری انعطاف‌پذیری اشاره گردیده؛ همچنان‌که روایت شریف نیز بر همین اصل مهم تأکید می‌کند:

الْمُؤْمِنُونَ هَيْنُونَ لَيْنُونَ كَالْجَمَلِ الْأَنِفِ إِذَا قِيدَ انْقَادَ وَ إِنْ أُنِيخَ عَلَى صَخْرَةٍ اسْتَنَاخَ؛[2]

مؤمنان با وقار و آرامش‌اند، مانند شتر نری که مهار در بینی دارد، چون او را بکشند، به راه افتد و اگر بر صخره‌ای بخوابانند، بخوابد.

این نوشتار بر آن است که با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی حدیث شریف «خامة الزرع» پرداخته و تاثیر شگرف انعطاف‌پذیری مومنانه را در رویارویی با ابتلائات گوناگون و قرار گرفتن در موقعیت نقمت تبیین نماید.

۲. یافته‌های تحقیق (تحلیل حدیث خامة الزرع)

برای پیروزی در امتحان و آزمایش الهی از نگاه قرآن کریم عوامل متعددی نظیر «صبر»،[1]

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۵۸.
۲. همان، ج ۲، ص ۳۴.

تقوا،[2] «توجه به گذرا بودن امور»،[3] «استمداد از نیروی ایمان و الطاف الهی»،[4] «توجه به عکس‌العمل پیامبران در برابر آزمایش‌های الهی»[5] و... دخیل هستند. همچنین در آیاتی از قرآن کریم به عکس‌العمل‌هایی نظیر «شکر»[6] و «کفران و ناسپاسی»[7] به عنوان رفتارهایی که انسان در برابر این آزمون‌ها و ابتلائات از خود نشان می‌دهد اشاره شده است. بر اساس دایره فرهنگ روایات نبوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام یکی از عکس‌العمل‌هایی که انسان‌ها می‌توانند در برابر سنت ابتلا از خود نشان دهند، انعطاف‌پذیری در موقعیت‌های مختلف زندگی است. در روایت «خَامَةِ الزَّرْع» آمده است:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِئُهَا الرِّيَاحُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِئُهُ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَّةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفَهُ قَصْفا.[8]

دقت در این روایت حاکی از آن است که انعطاف‌پذیر بودن انسان مؤمن هنگام رویایی با ابتلا از نوع نقمت و دشواری مولفه‌ای بسیار مهم است.

بنابراین، از آنجایی‌که آزمایش یک سنت همگانی و مستمر است و تأثیر بسزایی در سعادت و شقاوت انسان‌ها دارد و آدمی نیز در برخورد با امتحانات الهی و در رویارویی با سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی، رفتارها و واکنش‌های گوناگونی از خود نشان می‌دهد؛ لازم است بر اساس میراث حدیثی، چگونگی رویایی انسان با آن مورد بررسی و مداقّه قرار گیرد تا عوامل دخیل در رویارویی صحیح و نیز راه‌های صحیح برون‌رفت از آزمایش الهی شناسایی و معرفی گردند.

۳-۱. اسناد حدیث

الف) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ (قمی - ثقة)، عَنْ أَبِيهِ (ابراهیم بن هاشم - ثقة)، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۶، ۱۵۵ و ۱۸۶؛ سوره فرقان، آیه ۲۰.
۲. سوره آل‌عمران، آیه ۱۸۶.
۳. سوره بقره، آیه ۱۵۶.
۴. سوره اعراف، آیه ۹۶.
۵. سوره بقره، آیه ۱۲۴؛ سوره انعام، آیه ۱۰.
۶. سوره نمل، آیه ۴۰.
۷. سوره حج، آیه ۱۱.
۸. الکافی، ج ۲، ص ۲۵۸.

(ثقة)، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ (الاحمسی الرواسی ـ ثقة)، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُسْكَانَ (ثقة)، عَنْ أَبِی بَصِيرٍ (الاسدی-ثقة)، عَنْ أَبِی عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِئُهَا الرِّيَاحُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِئُهُ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَّةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِی لَا يُصِيبُهَا شَیْءٌ حَتَّی يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفَهُ قَصْفا.[1]

همه راویان در سند روایت ثقه هستند و سند متصل است. از این رو، روایت (مسند و صحیح) است. البته طبق مبنای برخی رجالیان به جهت وجود ابراهیم بن هاشم در سند، روایت (مصححه و یا معتبره) محسوب می‌شود؛ چون ابراهیم بن هاشم توثیق صریح ندارد، لکن از بزرگان شیعه بوده و روایت او مورد پذیرش است.

همچنین براساس سند اعتبار منابع دار الحدیث،[2] منبع این سند (الکافی) در قسمت الف/۱ درجه‌بندی می‌شود.[3]

ب) با روایتی نزدیک و شبیه به همین مضمون در منابع اهل سنت آمده است:

حَدَّثَنَا مُسَدَّدٌ، حَدَّثَنَا يَحْيَی، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ سَعْدٍ، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ كَعْبٍ، عَنْ أَبِيهِ: عَنِ النَّبِيِّ ـ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ ـ قَالَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَالخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ، تُفَيِّئُهَا الرِّيحُ مَرَّةً، وَ تَعْدِلُهَا مَرَّةً، وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالأَرْزَةِ، لاَ تَزَالُ حَتَّی يَكُونَ انْجِعَافُهَا مَرَّةً وَاحِدَةً». وَ قَالَ زَكَرِيَّاءُ: حَدَّثَنِی سَعْدٌ، حَدَّثَنَا ابْنُ كَعْبٍ، عَنْ أَبِيهِ كَعْبٍ، عَنِ النَّبِيِّ ـ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ ـ .[4]

ج) همچنین در منابع اهل سنت با تفاوت در قسمت دوم، برخی منابع روایت را با لفظ «کافر»[5] و برخی با لفظ «فاجر»[6] ذکر کرده‌اند.

۲-۲. تحلیل متنی حدیث

در این مختصر، پس از واکاوی سندی به تبیین متنی و مفهومی این روایت شریف

---

۱. همان‌جا.

۲. ر.ک: کتاب منطق فهم حدیث، ص۲۷۷ به بعد.

۳. جهت دستیابی به اطلاعات جامع درباره تمیل‌های گوناگون این حدیث به مقاله ارزشمند (بررسی تمثیل «خامة الزرع» در روایات شیعی و مفاد آن) اثر دکتر عباس پسندیده که به تازگی در شماره ۹۴ فصلنامه علوم حدیث در زمستان ۱۳۹۸ منتشر است مراجعه شود.

۴. صحیح البخاری، ج۷، ص۱۱۴.

۵. همان، ج۹، ص۱۳۷.

۶. همان، ج۷، ص۱۱۴.

خواهیم پرداخت. تعریف واژه‌های اصلی و تشریح دلالت کلام معصوم علیه السلام، مهم‌ترین مراحل این تحلیل است:

۲-۲-۱. واژه‌شناسی حدیث

در فرهنگ لغات و شروح مختلف شیعی و سنی توضیحاتی هماهنگ درباره روایت «خَامَةِ الزَّرْعِ» بیان شده است:

- فی القاموس: الخامة من الزرع: أوّل ما ینبت علی ساق، أو الطاقة الغضّة منه». و فی الصحاح: «الخامة: الغضّة الرطبة من النبات. و فی الحدیث: مثل المؤمن مثل الخامة من الزرع تمیلها الرِّیح مرّة هکذا و مرّة هکذا». فی القاموس فی باب الهمزة: «أکفأ: مال و أمال و قلب». شجر الأرزن، و هو خشب معروف. و قیل: هی الصنوبر. و قال بعضهم: هی الآرزة بوزن فاعلة، و أنکرها أبو عبید. و فی الصحاح: أبو عمرو: الأرزة ـ بالتحریک ـ: شجر الأرزن. و قال أبو عبیدة: الأرزة ـ بالتسکین ـ: شجر الصنوبر، و الجمع: أرْز، و شجرة آرزة أی ثابتة فی الأرض، و قد أرَزَت تأرز.[۱]
- قوله (کیفما کفئته الریح انکفأ) أی قلبته و أمالته و هو اشارة الی وجه تشبیهه بخامة الزرع، و التشبیه تمثیل لامالة أهواء نفسه و ریح خاطراته ایاه من حال الی حال فتارة یعوج و أخری یقوم و یعتدل.[۲]
- و السهولة هی الانقیاد و لین الجانب.[۳]
- السهولة اللّینة و الیسر و الذّلّ بالکسر یعنی سرعة الانقیاد یعنی سهولة الطبع فی قبول الحقّ و یسره فی قبول الصفات المرضیّة و الأخلاق الحسنة و الأطوار الصحیحة و ذلّه و انقیاده فی الدّین من صفات العاقل و علامات الإیمان کما ورد من طرق العامّة و الخاصّة «المؤمنون هیّنون لیّنون».[۴]
- «و إن أنیخ علی صخرة» کنایة عن نهایة انقیاده فی الأمور المشروعة و عدم استصعابه فیها، قال الجوهری: أنخت الجمل فاستناخ أبرکته فبرک، انتهی. و قیل: إنما شبه بالجمل لا بالناقة إشارة إلی أن المؤمن قادر علی الامتناع، و لکن له مانع عظیم من

۱. الذریعة إلی حافظ الشریعة، ج۲، ص۴۱۳.
۲. شرح الکافی ـ الأصول و الروضة، ج۹، ص۱۸۶.
۳. الوافی، ج۱، ص۷۵.
۴. شرح الکافی ـ الأصول و الروضة، ج۱، ص۳۵۷.

الإیمان، و أحکامه تمنعه عن ذلک.[1]

- انْقَادَ ـ انْقِیَاداً [قود]: مطاوع (قَادَ) است، ـ لِفُلانٍ؛ به فلانی فروتنی کرد و فرمانبردار شد، ـ الطَّرِیقُ الی کَذَا؛ راه به سوی جائی هموار و آشکار شد.[2]
- (تکفأ بالبلاء) تقلب بالمصیبة أی المؤمن إذا أصابه بلاء رضی بقدر الله تعالی فإذا زال عنه قام و اعتدل بشکر الله تعالی فانقلب البلاء خیرا و رحمة.[3]
- قال فی المصباح: الخامة الغضة من النبات، و الجمع خام، وخامات، و الخام من الثیاب: الذی لم یقصر، و ثوب خام، أی: غیر مقصور.[4] و قال الحافظ: هی الطاقة الطریة اللینة، أو الغضة، أو القضبة، قال الخلیل: خامة الزرع: أول ما ینبت علی ساق واحد.[5] قلت: قول الخلیل هو الصواب، فالزرع فی أول أمره یکون علی ساق واحد، و یکون لیناً طیعاً للریح ینثنی معها حیث أتت، و لا تؤثر علی صحته واعتداله، فإذا سکنت رجع علی ساقه قائماً کأن لم یصبه شیء، بل ربما ازداد قوی و نضارة، و هذا هو المقصود من المثل، فإن المؤمن تأتیه المصائب من نواح شتی، ففی کل مرة یقال: هذه تهلکه، ثم تنجلی و یعود إلی صحة إیمانه قویاً سلیماً، کأن لم یصب بأذی.[6]
- «مثل المؤمن مثل خامة الزّرع» بالخاء المعجمة و تخفیف المیم أی طاقته للینة عطفها أو ضعفها (تفیّؤها) بضم أوله ففاء مفتوحة و تحتیة مشددة مکسورة فهمزة مضمومة و أما قول التلمسانی و روی تفئها بدون یاء فخطأ فاحش أی تحرکها و تمیلها (الرّیح) أی جنس الریاح (هکذا) مرة عن یمینها (و هکذا) مرة عن یسارها و المعنی تمیلها من جانب إلی جانب (و فی روایة أبی هریرة رضی الله عنه) و فی نسخة لأبی هریرة کما فی صحیح مسلم (من حیث أتتها الرّیح تکفؤها) بفتح الفاء و تکسر أی تقلبها (فإذا سکنت) أی الریح (اعتدلت) أی قامت الخامة علی ساقها معتدلة غیر مائلة، (و کذلک المؤمن یکفأ) بصیغة المجهول أی بقلب و یغیر حاله (بالبلاء) عما کان علیه فی النعماء؛ (و مثل الکافر) و فی معناه الفاجر (کمثل الأرزة) بسکون الراء و فتحها شجرة الأرز و هو

۱. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۹، ص۲۴۳.
۲. فرهنگ ابجدی عربی ـ فارسی: ترجمه المنجد الابجدی، ص۶۳.
۳. صحیح البخاری، ج۷، ص۱۱۴.
۴. المصباح، ج۱، ص۲۵۱.
۵. الفتح، ج۱۰، ص۱۰۶.
۶. شرح کتاب التوحید من صحیح البخاری، ج۲، ص۲۶۰.

خشب معروف و قیل الصنوبر و قال بعضهم الآرزة بوزن فاعلة و معناها الثابتة فی الأرض و أنکرها أبو عبید کذا فی النهایة (صمّاء) أی صلبة یابسة (معتدلة) أی مستویة ثابتة (حتّی یقصمه الله تعالی) بکسر الصاد بعد سکون القاف أی یکسره (و یهلکه) و یأخذه بغتة من غیر تقدم بلیة فی غالب قضیة.[1]

با توجه به اقوال فوق می‌توان اظهار کرد که خامة الزرع به معنای ساقه نرم گیاه است که منعطف بوده و در برابر بادهای تند خم می‌شود ولی نمی‌شکند. آزره نیز چوب خشک و غیرمنعطف درخت صنوبر یا ارزن است که در برابر تندبادها به دلیل انعطاف‌ناپذیری، چاره‌ای جز شکستن ندارد که همچون تصویری از سرانجام منافق در برابر امتحانات و فتنه‌های پیش روی اوست. این تشبیه برای مومن در مقابل با حوادث و ابتلائات سهمگین زندگی به کار رفته است.

۲-۲-۲. تبیین دلالت حدیث

طبق هر دو روایت (خامة الزرع - هینون لینون) انسان مومن به موجودی زنده‌ای تشبیه شده است که به جهت حفظ حیات، در مقابل بلاها، تدبیر و روش انعطاف‌پذیری و نرمش آگاهانه را در راستای حفظ مصلحت مهمتر انتخاب می‌کند تا بتواند در فرصت مناسب در جایگاه درخور و اصلی نمود کند و در اثر تعصب و تحجر، باعث شکستن و نابودی خویش نگردد. زیرا لازمه حفظ ریشه و ادامه حیات منوط به استفاده از روش انعطاف در طول اصول و ریشه‌ها در برابر ابتلائات مختلف است. به تعبیر دیگر انعطاف‌پذیر بودن در عین قوی بودن، به گزینش عاقلانه و مومنانه دلالت می‌کند و نمی‌توان چنین تلقی کرد که افراد منعطف افراد غیر اصولی هستند و یا پایبندی به اصول و عقاید خود ندارند بنابراین نباید به عنوان سستی در عقیده و راسخ نبودن بر ایمان تعبیر شود. همچنان‌که بررسی وقایع و رویدادهای تاریخی زندگانی انبیا علیهم‌السلام، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام مؤید این مسأله است.

صف‌آرایی انعطاف‌پذیری مؤمنانه و انعطاف‌پذیری منافقانه به خوبی در جنگ صفین و مخصوصاً در مقایسه شخصیت مالک اشتر و عمروعاص قابل مشاهده و مقایسه است. انعطاف‌پذیری مؤمنانه آنجا معنا می‌یابد که مالک در چند قدمی خیمه معاویه است و از امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمان می‌رسد که مالک برگردد و او به آن چنان بینش و بصیرتی درباره مولای خود رسیده است که جنگ را در اوج پیروزی رها کرده و به فرمان مولایش برمی‌گردد. در

۱. شرح الشفاء للقاضی عیاض، ج ۲، ص ۳۸۱.

مقابل، شخصیت عمروعاص را می‌بینیم که در اوج کفر خود، وقتی خود را شکست خورده و درمانده می‌بینند قرآن‌ها را به نیزه کرده و نتیجه جنگ را با کمک عده‌ای ساده‌لوح در جبهه خودی و نیرنگی شیطانی عوض می‌کند.

خداوند انعطاف‌پذیری روح انسان در مسیر عبودیت را با امتحانات زندگی می‌آزماید و انسان بر اساس این امتحانات صاحب درجاتی از کمال و یا درجاتی از کفر و بی‌ایمانی خواهد بود؛ همچنان‌که در آیه ۱۶ سوره حدید به این مسئله اشاره شده است:

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾.

قرآن کریم در بیان ویژگی‌های منافقان از توصیف ﴿كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ﴾؛[1] «مانند چوب‌های خشک در برابر حوادث که کوچک‌ترین انعطافی ندارند» استفاده می‌کند. گاهی تصور می‌شود که مقصود از تشبیه آنان به چوب‌های تکیه داده شده به دیوار، این است که آنها موجودات غیرمفیدی‌اند؛ زیرا چوب در صورتی مفید خواهد بود که داخل کار و یا ساختمان باشد و در غیر این صورت موجود مزاحم و غیرسودمندی خواهد بود. ولی این وجه تا حدی دور از ظاهر آیه و متفاهم عرفی است. احتمال دیگری نیز در اینجا هست که شاید از معنای پیش روشن‌تر و واضح‌تر باشد؛ زیرا می‌توان گفت که مقصود از تشبیه آنها به چوب‌های تکیه‌زده به دیوار، این است که آنان به سان چوب‌های خشک در برابر حوادث، کوچک‌ترین انعطافی ندارند و «خشب» در لغت عرب چوب خشک غیرقابل انعطافی را می‌گویند که بر اثر فشار دو نیم می‌شود. انعطاف‌پذیری در برابر حوادث به طرز صحیح، یکی از نشانه‌های مردان مؤمن به هدف خویش است و انعطاف در برابر حوادث، با تملق و چاپلوسی و ابن‌الوقت بودن، تفاوت روشنی دارد. افراد ابن‌الوقت هدف مشخصی ندارند و به هیچ اصلی پایبند نیستند، به هر رنگی درمی‌آیند، و با ماسک‌های گوناگون در صحنه زندگی ظاهر می‌شوند ولی افراد انعطاف‌پذیر، تا آنجا که ضرری به اصول و اهدافشان متوجه نشود با مردم و حتی گاه با دشمن خود کنار می‌آیند و برای حفظ اصول و پایه‌های واقعی از یک سلسله منافع می‌گذرند. همچنانکه جهان طبیعت به ما درس می‌آموزد: طوفان سهمگینی از نقطه‌ای برمی‌خیزد و بر اشجار جوان و کهنسال و گل‌ها و گیاهان و مزارع حمله می‌برد، سنبل‌های مزارع و گیاهان و گل‌های گلستان در برابر طوفان مقاومت نشان داده و با انعطاف

۱. سوره منافقون، آیه ۴.

و خم شدن خاصی، طوفان سهمگین را رد می‌کنند و پس از آن به حالت نخست باز می‌گردند؛ ولی درختان خشک در برابر طوفان سینه سپر کرده و با صلابت خاصی ابراز مقاومت می‌نمایند امّا پس از لحظاتی از پای درمی‌آیند. این حقیقت اجتماعی را پیامبر اسلام ﷺ در یکی از سخنان خود بیان کرده و می‌فرماید:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كالسِّنْبُلَةِ يحَرِّكهَا الرِّيحُ فَتَقُومُ مَرَّةً وَ تَقَعُ أُخْرَى وَ مَثَلُ الْكافِرِ مَثَلُ الْأَرْزَةِ وَ لَا يزَالُ قَائِمَةً حَتَّى تُتَغَفِّرَ[1]

صاحب روح البیان در تفسیر این تشبیه حضرت ﷺ می‌نویسد:

«الْأَرْزَةِ» درخت سختی مانند صنوبر است؛ «تُتَغَفِّرَ»: از جای کنده می‌شود.[2]

آیة الله سبحانی نیز به همین حقیقت اشاره می‌کند:

حال مؤمن مانند سنبلی است که باد تند آن را حرکت می‌دهد، گاه می‌ایستد و گاه خمیده می‌گردد؛ ولی افراد کافر، در نداشتن انعطاف و کنار نیامدن با مردم، مانند درختان سخت هستند که در برابر تندباد حوادث از جای کنده می‌شوند.[3]

دقت در دایره احادیث رسیده از معصومان ﷺ ما را به حدیث مقابل با این حدیث ـ که در بیان صلابت مؤمن بیان شده است ـ رهنمون می‌سازد:

الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَايُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.[4]

اگر مؤمن صلابت نداشته باشد نمی‌تواند دینش را حفظ کند و بیان شده که صلابت مؤمن از کوه هم محکم‌تر است و همین سبب حفظ دینش یا ارزش‌ها و اعتقاداتش می‌شود. به عبارت دیگر، صلابت مومن با قرار گرفتن در کنار حدیث مقابلش که انعطاف‌پذیری را می‌رساند این مفهوم را مطرح می‌کند که استواری و صلابت در دین با نرمی و انعطاف در بلایا هر دو به حفظ دین کمک می‌کنند و اگر صلابت به معنای خشک و خشن بودن باشد، مؤمن قطعاً در مصایب می‌شکند و شکست در رنج‌ها، ضعف در دین را بوجود می‌آورد. انسان‌ها در جهانی که دارای موقعیت‌های فراوان متضادی است زندگی می‌کنند و مؤمن باید بتواند در

---

۱. جامع الأخبار(شعیری)، ص۱۸۳.
۲. تفسیر روح البیان، ج۹، ص۵۳۳.
۳. دوست نماها؛ تفسیر سوره منافقون، ص۲۱.
۴. الکافی، ج۲، ص۲۴۱.

این تضادها از ایمانش محافظت کند و زندگی سالمی هم داشته باشد و این به ویژگی منعطف بودن او برمی‌گردد.

از منظر دیگر، ارزش خوب بودن انسان، به انعطاف‌پذیری در رعایت قوانین سیال است. خداوند متعال از بندگانش، خوب شدن و تکامل پیدا کردن را خواسته است که بخشی از فرایند خوب شدن، مربوط به اجرای برنامه‌های روتین و ثابت و قوانین و مقررات مکتوب است؛ مقرراتی که ما را به یک سلسله دستورات خوب و رشد دهنده راهنمایی می‌کنند؛ اما اصل مسئله این است که خداوند متعال در کنار برنامه‌های ثابتی که به انسان داده است یک حالت «انعطاف‌پذیری» را از او انتظار دارد. خداوند از آدم، دو نوع خوب بودن را می‌خواهد: یک خوب بودن طبق برنامه‌های ثابت، و یک خوب بودن طبق برنامه‌های سیّالی که نیازمند انعطاف هستند و آدم باید انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند آنها را انجام بدهد. کار آنجا سخت می‌شود که انسان بخواهد خودش را با دستورات سیّال خدا که نیازمند انعطاف هستند تطبیق دهد. ابلیس سال‌های متمادی برای خداوند متعال عبادت می‌کرد یعنی براساس قوانین ثابت همهٔ کارهای خوب را انجام می‌داد. اما وقتی خداوند متعال اجرای یک دستور سیّال، بلکه متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی را از شیطان خواست جواب ابلیس در واقع نه بود. پس فقط کارِ خوب‌آوردن ملاک نیست و باید هنگامی که خدا با اوامر خود با روح انسان بازی می‌کند، امکان انعطاف‌پذیری در انسان باشد و انعطاف نشان بدهد. بنابراین خدا می‌خواهد تأکید کند که ارزش انعطاف‌پذیری عبد از خوب‌بودن در اجرای وظائف عادی بالاتر است.

۲-۳. انعطاف‌پذیری؛ توانایی انطباق با موقعیت‌های خطیر و متفاوت

یکی از کلیدهای موفقیت، انعطاف‌پذیر بودن است. انعطاف‌پذیری در برخورد با چالش‌های زندگی یک مهارت به حساب می‌آید که به صورت اکتسابی باید بدان دست یافت. در موقعیت‌های مختلف، افرادی می‌توانند راحت‌تر شرایط را تحت کنترل خود درآورد که بیشترین انعطاف‌پذیری را در رفتارشان داشته باشند.

انعطاف در لغت به معنای «میل کردن»،[1] «برگشتن و باز گردیدن و آمادگی برای سازگاری با محیط یا دیگران یا دشواری‌ها»[2] و انعطاف‌پذیری به معنای «تمایل به سازگاری و هماهنگ شدن با محیط و افراد است و این امر در جایی تحقق می‌یابد که فردی یا مکتبی

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۳۰۶۲.
۲. فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۹۶؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۶۲۳.

بخواهد متناسب با مقتضیات مخاطبین، قوانین خود را تنظیم کند»[1] بیان شده است.

هر گونه تغییر در زندگی انسان اعم از خوشایند و ناخوشایند مستلزم نوعی سازگاری مجدد است. روش‌های مقابله با تغییرات و تنش‌های حاصل از این تغییرات در افراد مختلف و بر حسب موقعیت‌های گوناگون متفاوت است. راهبردهای مقابله، مجموعه‌ای از تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت تعبیر یا تفسیر یا اصلاح یک وضعیت تنش‌زا به کار می‌رود و منجر به کاهش رنج ناشی از آن شده و در تفسیر و غلبه بر مشکلات زندگی مؤثر هستند».[2] «شیوه‌ها یا راهبردهایی که فرد در مقابله با موارد استرس‌زا به کار می‌برد نقش اساسی در سلامت جسمانی و روانی او ایفا می‌کند. روان‌شناسان حوزه سلامت روان برای نقش راهبردهای مقابله‌ای اهمیت زیادی قایل هستند و سلامت روان را یک تعامل می‌دانند یعنی از یک سو نتایج انتخاب و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای، مؤثر و مناسب با تغییر و تنش محسوب می‌گردد و از سوی دیگر، راهبردهای مقابله‌ای خود زمینه‌ساز فضای سالم روانی است که در چنین فضایی شناخت صحیح و ارزیابی درست موقعیت تنش‌زا جهت انتخاب راهکار مقابله‌ای مؤثر را میسر می‌کند. راه‌های مقابله با فشار روانی متعددند، اما نکته مهم در انتخاب راهبرد مناسب برای مقابله با فشار روانی، همخوانی این راهبردها با زمینه‌های اعتقادی و فرهنگی افراد یک جامعه است».[3]

در چیستی و تبین دقیق انعطاف‌پذیری از جنبه‌های مختلفی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اخلاق به این مسأله پرداخته شده است؛ انعطاف‌پذیری را می‌توان «توانایی تغییر از حالتی به حالت دیگر در شرایط خاص جهت سازگاری با وضعیت موجود تعریف کرد. این سازگاری به گونه‌ای می‌تواند باشد که اثرات مفیدی را در پی داشته باشد».[4] «انعطاف‌پذیری به ظرفیت تغییر فرد در پاسخ به تجارب مثبت و منفی زندگی گفته می‌شود».[5] «انعطاف‌پذیری توانایی انطباق افراد با رویدادهای جدید است؛ انعطاف‌پذیری یک فرایند پویا تعریف می‌شود که مسئول ایجاد انطباق مثبت، با وجود تجارب مخالف یا

---

۱. «گونه‌های انعطاف‌پذیری در احکام و قوانین قرآن»، ص۱.
۲. «بررسی رابطه راهبردهای مقابله‌ای و سلامت روانی در ساکنین خرم آباد»، ص۴۷-۵۴.
۳. «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله با رویکرد اسلامی بر سازگاری روانشناختی»، ص۳.
۴. «انعطاف در رفتارهای تربیتی ـ مدیریتی و اجتماعی از منظر قرآن و احادیث»، ص۱۲.
۵. روان‌شناسی رشد نوجوانی ـ جوانی و بزرگسالی، ص۹.

تروماتیک در فرد است».[1] «انعطاف‌پذیری، توانائی ذهنی برای تفکر به شیوه‌های متفاوت ممکن برای سازماندهی و طرح‌ریزی گام‌های بعدی برای حل یک مشکل است».[2] «انعطاف‌پذیری به عنوان قابلیتی مثبت برای برخورد هیجانی و رفتاری مناسب و برای بروز حداقل اختلالات روانی در مقابل شرایط استرس‌زا تعریف می‌شود».[3] «انعطاف‌پذیری روان‌شناختی یک فرایند یا توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدید کننده است؛ به طوری که فرد بتواند با تجارب درونی و بیرونی منفی و ناخوشایند روبه‌رو گردد و در عین حال، سازگاری و تعادل روان‌شناختی خود را حفظ نماید».[4] برخی دیگر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی را «توانایی فرد برای ارتباط کامل با زمان حال به عنوان یک انسان هوشیار و آگاه و توانایی او برای تغییر یا ادامه رفتار در جهت ارزش‌هایش» تعریف کرده‌اند.[5]

در نظرگاه دینی «انعطاف‌پذیری در شریعت اسلام به معنای عقب‌نشینی از اصول یا وادادگی نیست که این هر دو با عقیدتی بودن اصول و واقع‌گرایی عملی آن‌ها منافات دارد؛ بلکه انعطاف‌پذیری به معنای تاکتیک و گام نهایی واقع‌گرایانه‌ای است که فشارهای واقعیت را مورد توجه قرار می‌دهد و هدف از آن ژرفا بخشیدن به دیدگاه اصیل و نتیجه‌گیری اجزای نظام به بهترشکل است. بنابراین، انعطاف‌پذیری انتخاب موضع موقت و گذرایی است که برای حفظ موضع کلی بسته به اوضاع و احوال تغییر می‌کند».[6]

همچنان‌که شیوه‌ها و تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام در بزنگاه‌های مختلف تاریخی، نظیر ماجرای حضرت ابراهیم علیه‌السلام و ذبح اسماعیل علیه‌السلام، صلح حدیبیه توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ـ که با وجود مخالفت اصحاب، نهایتاً از سوی خداوند متعال به فتح مبین معرفی شد ـ، عقب‌نشینی امام علی علیه‌السلام در جریان سقیفه به جهت مصلحت مهم‌تر و پذیرش صلح توسط امام حسن علیه‌السلام ـ که نرمش قهرمانانه تاریخ شناخته می‌شود ـ حکایت از گزینش روش انعطاف‌پذیری توسط ائمه علیهم‌السلام در مسائل مختلف بشری است. به عبارت دیگر، انسان مؤمن باید با تعقل مصلحت‌اندیشانه و بصیرت در مقابل مسائل مخلتلف به صورت

---

۱. «انعطاف‌پذیری سازگاری و نشانه‌های روان‌پزشکی»، ص۱.

۲. «رابطه بین جزمیت، انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های جمعیت شناختی با شادکامی»، ص۶.

۳. «مواجهه با خشونت در نوجوانان: عوامل شناختی - رفتاری و انعطاف‌پذیری»، ص۲.

۴. «تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایت‌مندی از زندگی»، ص۸.

5. P56 ،A Practical Guide to Acceptance and Commitment Therapy.

۶. «بررسی مولفه سازگاری مدل هوش هیجانی باران و روش‌های پرورش آن در سنت و سیره امام علی علیه‌السلام»، ص۶.

کیّسانه رفتار کند تا خروجی تصمیمات وی منتهی به حفظ اصول شود. به دیگر بیان، انعطاف‌پذیری انسان در مقابل مسائل مختلف، نشان از حیات انسان است که با تعقل و نرمش آگاهانه مانع از شکستن و از ریشه برکندن به خاطر جمود و تعصب می‌گردد.

۲-۴. نقش عامل ایمان در انعطاف‌پذیری

ایمان از منظر اسلام، ظرفیت بسیاری در تحقق و عمق‌بخشی به فضایل اخلاقی دارد. البته ایمان قبل از تأثیر بر آن فضایل، خود منشأ ایجاد فضایلی جدید در حوزه فضایل به نام فضایل بندگی است.[۱]

ایمان، مصدر از ماده «أمن» است که بر دو معنای نزدیک به هم دلالت دارد: یکی آرامش دل و دیگری تصدیق؛ زیرا انسان چیزی را تصدیق می‌کند و به آن گواهی می‌دهد که به آن اطمینان داشته باشد و دلش آرام گیرد.[۲]

«مهم‌ترین نکته و کلید آزمون‌های الهی، این است که بنده، مطیع مولا و تسلیم فرمان او باشد حتّی اگر نمی‌داند چرا. به تعبیر دیگر، اگر بنا باشد در دستورهای خدا، فقط آنچه را بفهمیم برای چیست اطاعت کنیم و بپذیریم، در واقع ما بنده فهم خودمان شده‌ایم نه بنده پروردگارمان و مطیع عقل خود شده‌ایم نه مطیع خدا!».[۳] به عبارت دیگر، خدا نیز از انسان، انعطاف‌پذیری را می‌خواهد؛ آنجا که می‌فرماید: من دوست دارم اطاعت بشوم، آن‌طوری که من می‌خواهم، نه آن‌طوری که تو می‌خواهی:

إِنِّی أُحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَیْثُ أُرِیدُ.[۴]

و

إِنَّمَا أُرِیدُ أَنْ أُعْبَدَ مِنْ حَیْثُ أُرِیدُ لَا مِنْ حَیْثُ تُرِیدُ.[۵]

نکته درخور توجه دیگر، این است که یکی «از مسائلی که در سلامت روان نقش مهمی دارد، چگونگی واکنش به دو موقعیت خوشایند و ناخوشایند است؛ زیرا زندگی به دو قسم خوشایند و ناخوشایند تقسیم می‌شود:

---

۱. «ایمان از منظر اسلام و نقش آن در تحول فضایل اخلاقی با تأکید بر اخلاق زیست ـ پزشکی»، ص۱۱ و ۱۸.
۲. «بررسی تمثیل خامة الزرع در روایات شیعی و مفاد آن»، ص۱.
۳. امتحان، ص۴۱.
۴. قصص الانبیاء، ص۴۳.
۵. تفسیر القمی، ج۱، ص۴۲.

وَ الدَّهْرُ یَوْمَانِ یَوْمٌ لَکَ وَ یَوْمٌ عَلَیْکَ فَإِذَا کَانَ لَکَ فَلَا تَبْطَرْ وَ إِذَا کَانَ عَلَیْکَ فَاصْبِرْ.[1]

و انسان‌ها در موقعیت «خوشایند ـ ناخوشایند» به اشکال مختلفی عمل می‌کنند. واکنش‌ها به این دو موقعیت را می‌توان به دو گونه مثبت و منفی طبقه‌بندی نمود. واکنش مثبت به خوشایند، شکر و سپاسگزاری و واکنش مثبت به ناخوشایند، صبر و بردباری است که در مجموع، رضامندی از تکوین را تشکیل می‌دهند»[2] که البته انتخاب واکنش مثبت در هر دو موقعیت در سایه انعطاف‌پذیری مؤمنانه حاصل می‌شود. «واکنش منفی به این دو موقعیت، الگوهای متفاوتی نظیر «فرح ـ قنوط»،[3] «فرح ـ کفران»،[4] «فرح، فخر ـ یأس، کفران»،[5] «دعا ـ اعراض»[6] و «جزع ـ منع»[7] دارد»[8] که ناشی از عدم انعطاف‌پذیری به سبب عدم ایمان است.

عاملی که در این پژوهش بر اساس حدیث محوریِ مورد بحث، معرفی می‌شود، «انعطاف‌پذیری» است. با استفاده از روش معکوس، می‌توان فهمید یکی از دلایل واکنش منفی در موقعیت‌های سختی و نقمت، نداشتن انعطاف‌پذیری است. یعنی بر طبق روایت خامة الزرع، از «ایمان» به عنوان عامل «انعطاف‌پذیری» در مقابل ابتلائات یاد شده است و از جمله اموری که واکنش منفی در موقعیت نقمت را کاهش داده و واکنش مثبت را به وجود می‌آورد «تنظیم انعطاف‌پذیری» می‌باشد؛ به این معنا که عنصر «عدم انعطاف‌پذیری»، از اسباب واکنش نامتعادل در موقعیت منفی و نقمت است و درمان آن نیز عامل خاص «ایمان» است. به بیان دیگر ایمان در چگونگی واکنش به ناخوشایندها و نقمت‌های زندگی نقش اساسی دارد و باعث مهار تبعات منفی آن می‌شود. همچنانکه کفر موجب می‌شود انسان در مقابل ابتلائات رویکرد انعطاف‌پذیری نداشته باشد. در حدیث «الْمُؤْمِنُونَ هَیْنُونَ لَیْنُونَ کَالْجَمَلِ الْأَنِفِ إِذَا قِیدَ انْقَادَ وَ إِنْ أُنِیخَ عَلَى صَخْرَةٍ اسْتَنَاخَ»[9] نیز به صورت صریح

---

۱. نهج البلاغة (صبحی صالح)، ص۵۴۶.
۲. ر.ک: « مولفه‌های احساس سعادتمندی در احادیث با رویکرد روان‌شناختی»، ص۸.
۳. سوره روم، آیه ۳۶.
۴. سوره شورا، آیه ۴۸.
۵. سوره هود، آیه ۹-۱۰.
۶. سوره فصلت، آیه ۵۱.
۷. سوره معارج، آیه ۱۹-۲۱.
۸. ر.ک: « تعدیل کننده‌های واکنش در خوشایند و ناخوشایند بر اساس احادیث»، ص۳-۷.
۹. الکافی، ج۲، ص۳۴.

اشاره شده است که هنگام مواجهه با ابتلائات باید به گونه‌ای رفتار کرد که نشانگر رویکرد انعطاف‌پذیری در رفتار باشد. این روایت «کنایه از این است که اهل ایمان رام و منقاد هستند و سرکشی و امتناع ندارند؛ اگرچه ذاتاً همچون شترنر نیرومندند، ولی نیروی ایمان، او را از سرپیچی جلوگیری می‌کند. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

الْإِيمَانُ أَنْ يُطَاعَ اللهُ فَلَا يُعْصَى؛[1]

ایمان آن است که خدا اطاعت شود و معصیت او نشود.[2]

همچنین درباره ارتباط این حدیث با ایمان آمده است:

تشبیه مؤمن به جمل و نه به ناقه، حاکی از آن است که مؤمن قادر به نافرمانی هست، ولی گوهر ایمان مانع عصیان او می‌شود.[3]

ابتنای ایمان بر معرفت است و از منظر قرآن، ایمان با شک قابل جمع نیست.[4] همچنین ایمان، حقیقتی پویا (کاستی و افزایش‌پذیری ایمان) و نیز دارای مراتب است.[5] «ایمان با توجه به ساختار بینشی ـ گرایشی آن از ظرفیت بسیاری برای تأثیر بر دو بعد شناختی و انگیزشی برخوردار است. عمل هرچند از ذات ایمان خارج است، اما لازمه خارجی آن است. ایمان منشأ و جهت‌دهنده عمل مؤمنانه و تأمین کننده حسن فاعلی آن به شمار می‌رود. گوهر ایمان، تسلیم درونی انسان در برابر خدا است. ایمان، خروج از أنانیت است و این درست نقطه مقابل کفر است. کفر بر برتری‌طلبی و خودخواهی تکیه زده است[6] و ایمان بر تسلیم و خضوع در برابر حق. بنابراین، ساختمان درونی کفر و ایمان، حاکی از گرایش‌های متقابل است».[7]

بنا بر روایات متعددی، ابتلائات الهی با افزایش ایمان انسان بیشتر می‌شود؛ مانند:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ مَثَلُ كِفَّتَيِ الْمِيزَانِ، كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ، لِيَلْقَى اللهَ وَ لَا خَطِيئَةَ لَهُ.[8]

---

۱. همان، ج۳، ص۳۳۰.
۲. سیمای مؤمن در قرآن و حدیث، ص۹۶.
۳. سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار، ج۱، ص۱۴۸.
۴. سوره سبأ، آیه ۲۱.
۵. سوره فتح، آیه ۴.
۶. سوره نمل، آیه ۱۴.
۷. «ایمان از منظر اسلام و نقش آن در تحول فضایل اخلاقی با تأکید بر اخلاق زیست‌پزشکی»، ص۱۱ و ۱۷.
۸. الأمالی، ص۶۳۱.

لذا خداوند اظهار حبّش را به واسطه ابتلائات بیشتر می‌کند تا ببیند بنده‌اش چقدر حب‌پذیر است؛ همچنان‌که «در سوره اعراف اصل اولی و سنت الهی در مورد انسان را نزول رحمت و برکت اعلام می‌کند و نزول بلا و شداید را به عنوان اصلی ثانوی ناشی از رفتار و سلوک انحرافی انسان از طریق فطرت الهی می‌داند که معلول نوع اکتساب و سلوک انسان‌ها است، می‌فرماید:

﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ﴾.[1]

در این آیه اصل اولی سنت الهی بر اعطای رحمت و برکت معرفی شده و نزول بلا را ناشی از عملکرد انسان دانسته است. طبق این آیه، دو عنصر «ایمان» و «تقوی»، یعنی بینش فکری و نظری و روش عملی انسان معیار و مدار نزول نعمت و نقمت بیان شده است. همچنین استقامت نفس انسان بر صراط مستقیم فطرت ـ که ضرورت ایمان را در حوزه معرفتی و عمل را در حوزه رفتاری ایجاب می‌کند ـ شرط نزول نعمت بیان کرده؛ همچنان که انحراف از راه فطرت و گرایش به گناه و فساد، عامل اختلال نظام هستی و سبب نزول بلا معرفی شده است؛ زیرا عدم تعادل و طغیان‌گری انسان، نظام طبیعت را مختل می‌سازد».[2]

بنابراین، بین ایمان شخص و میزان ابتلای او رابطه معناداری وجود دارد. در خصوص رابطه ایمان و ابتلا احادیث دیگری نیز آمده است:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كِفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ﴾.[3]

﴿الْبَلَاءُ زَيْنٌ لِلْمُؤْمِنِ وَ كَرَامَةٌ لِمَنْ عَقَلَ لِأَنَّ فِي مُبَاشَرَتِهِ الصَّبْرَ عَلَيْهِ وَ الثَّبَاتَ عِنْدَهُ تَصْحِيحُ نِسْبَةِ الْإِيمَانِ ...﴾.[4]

کوتاه سخن آن‌که، ایمان ـ که بنا بر آیات قرآنی و روایاتی مانند «خامه الزرع» تأثیر اساسی معرفتی و عملی در تسلیم شدن انسان در برابر اوامر و نواهی الهی دارد و البته خود مقوله‌ای مشکک، یعنی قابل کم و زیاد شدن است ـ انعطاف‌پذیری مؤمن را هم در مقابل حوادث و ابتلائات الهی در پی خواهد داشت تا در برابر این رویدادهای خطیر نشکند و از جاده بندگی منحرف نشود و بدیهی است که با افزایش مراتب و درجات ایمان مؤمن، انعطاف‌پذیری و به

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.
۲. دام عاشقی - ابتلا و آزمایش انسان در قرآن (پژوهشی پیرامون ابتلا در کلام وحی)، ص۹۵.
۳. بحار الانوار، ج۶۷، ص۲۱۰.
۴. مصباح الشریعه، ص۱۸۳-۱۸۴.

عبارتی تسلیم بودن و بندگی او نیز افزوده خواهد شد.

۳. نتیجه‌گیری

الف) در فرهنگ قرآن و روایات بحث ابتلاء، از دو جنبه متضاد معرفی شده است (نعمت ـ نقمت؛ خوشایند ـ ناخوشایند).

ب) در برخی متون حدیثی مواردی از کنش‌های مؤثر آدمی در مقابل آزمایش‌ها و ابتلائات متنوع الهی تبیین گردیده‌اند.

ج) روایت «خامة الزرع»، کنش رفتاری انعطاف‌پذیری مؤمنانه را به عنوان بهترین راه برون‌رفت انسان در برابر ابتلائات ناخوشایند و نقمت‌ها معرفی می‌کند.

د) با استفاده از روش معکوس و مفهوم مخالف به دست می‌آید که یکی از دلایل واکنش منفی و شکست در برابر ابتلائات ناخوشایند، نداشتن انعطاف‌پذیری است.

هـ) انعطاف‌پذیری در موقعیت ناخوشایند موجب واکنش مثبت و رضامندی می‌گردد. به عبارت دیگر، انعطاف مؤمنانه، واکنش منفی در موقعیت نامطلوب را کاهش داده و واکنش مثبت را به وجود می‌آورد.

و) در روایت «خامة الزرع» از ایمان به عنوان عامل انعطاف‌پذیری یاد شده است.

ز) طبق این روایت، کفر و نفاق برخلاف ایمان، مانع از انعطاف‌پذیری پیروزمندانه در مقابل ابتلائات می‌گردد.

کتابنامه

- ابتلا از دیدگاه قرآن و سنت، مجتبی بیگلری، تهران: رمز، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
- التحریر و التنویر، محمدطاهر ابن عاشور، بیروت: موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- الذریعة إلی حافظ الشریعة، رفیع‌الدین جیلانی، تصحیح: محمدحسین درایتی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، اسماعیل بن حمّاد جوهری، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق.

- الکـافی، محمـد بـن یعقـوب بـن اسـحاق کلینـی، تصـحیح: علـی‌اکبـر غفـاری و محمـد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- الکلیات: معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویه، ابوالبِقاء الکفوی، به کوشش: عدنان درویش و محمد مصری، دمشق: بی‌نا، ۱۹۸۲م.
- المصباح المنیر، احمد بن محمد فیومی، قم: دار الهجره، ۱۴۱۴ق.
- الـوافی، محمـد محسـن بـن شـاه مرتضـی فـیض کاشـانی، اصـفهان: کتابخانـه امـام أمیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق.
- امتحان، جواد محدثی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۹۲ش.
- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، ترجمه و تصحیح: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
- تفسیر تسنیم، عبد الله جوادی‌آملی، قم: اسراء، ۱۳۸۱ش.
- تفسیر روح البیان، اسماعیل بن مصطفی حقی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۵ق.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، به کوشش: طیّب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب، ۱۴۰۴ق.
- تهذیب اللغه، ابومنصور محمد بن احمد ازهری، تحقیق: محمد عوض مرعب، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۲۰۰۱م.
- جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف: مطبعة حیدریة، بی‌تا.
- چهل حدیث، روح‌الله موسوی خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۴ش.
- دام عاشقی، ابتلا و آزمایش انسان در قرآن (پژوهشی پیرامون ابتلا در کلام وحی)، سیدجعفر موسوی‌نسب، تهران: ارزشمند، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- دایرة المعارف قرآن کریم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲ش.
- دوست نماها؛ تفسیر سوره منافقون، جعفر سبحانی تبریزی، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱ش.
- روان‌شناسی رشد نوجوانی - جوانی و بزرگسالی، حسین لطف‌آبادی، تهران: سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۷ش.
- سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار، شیخ عباس قمی، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.
- سیمای مؤمن در قرآن و حدیث، ابوالفضل بهشتی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲ش.
- شرح أصول الکـافی، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، تصحیح: محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.

- شرح الشفا للقاضی عیاض، ملا علی قاری، تحقیق: عبدالله محمد الخلیلی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
- شرح الکافی - الأصول و الروضة، محمد صالح بن احمد مازندرانی، به کوشش: ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبة الإسلامیة، ۱۳۸۲ق.
- شرح کتاب التوحید من صحیح البخاری، عبد الله بن محمد غنیمان، مدینه: مکتبة الدار، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- صحیح البخاری، محمدبن اسماعیل بخاری، تحقیق: محمد زهیربن ناصرالناصر، بیروت: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- فرهنگ ابجدی عربی - فارسی: ترجمه المنجد الابجدی، فؤاد افرام بستانی، ترجمه: رضا مهیار، تهران: اسلامی، ۱۳۷۰ش.
- فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، تهران: سخن، ۱۳۸۱ش.
- فرهنگ عمید، حسن عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰ش.
- قصص الانبیاء، سعیدبن هبةالله قطب‌الدین راوندی، تصحیح: غلامرضا عرفانیان، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
- کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، علاءالدین متقی هندی، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران: موسسه انتشارات وچاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
- مجمع البحرین، فخرالدّین طریحی، تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، قم: انتشارات کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدباقربن محمدتقی مجلسی، به کوشش: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمدتقی نوری، قم: مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
- مصباح الشریعه، منسوب به جعفربن محمد، بیروت: اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
- معجم الفروق اللغویه، ابوهلال عسگری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۲ق.

- معجم مقاییس اللغة، ابی الحسن احمد ابن فارس، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- مفردات قرآن: پژوهشی در واژه‌شناسی قرآن، رضا مودب، قم: احسن الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- نهج البلاغة (للصبحی صالح)، محمد بن حسین شریف الرضی، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
- واژه‌شناسی قرآن مجید، غلامعلی همایی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- «ابتلائات الهی به منزله روش تربیتی»، حمیدرضا مظاهری سیف، خُلُق، شماره ۱، ۱۳۸۶ش، ص۱۳-۱۷.
- «انعطاف‌پذیری سازگاری و نشانه‌های روان‌پزشکی»، علی فرهودیان، تازه‌های علوم شناختی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۸۴ش، ص۷۴-۷۵.
- «ایمان و رضامندی»، نرگس‌السادات غضنفری با راهنمایی عباس پسندیده، حدیث اندیشه، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۸۷ش، ص۶۹-۹۵.
- «ایمان از منظر اسلام و نقش آن در تحول فضایل اخلاقی با تأکید بر اخلاق زیست‌پزشکی»، مهدی علیزاده ـ حجت‌الله آزاد، اخلاق زیستی، سال سوم، شماره ۷، ۱۳۹۲ش، ص۱۳-۵۱.
- «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله با رویکرد اسلامی بر سازگاری روانشناختی»، سمیه عسکریان ـ محمدحسن حسن‌زاده ـ محمدجواد اصغری، روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۴، ۱۳۹۲ش، ص۲۳-۳۷.
- «بررسی تمثیل «خامة الزرع» در روایات شیعی و مفاد آن»، عباس پسندیده، علوم حدیث، سال بیست و چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۹ش، ص۳-۲۷.
- «بررسی رابطه راهبردهای مقابله‌ای و سلامت روانی در ساکنین خرم آباد»، فیروزه غضنفری ـ عزت‌الله قدم پور، اصول بهداشت روانی، شماره ۳۷، ۱۳۸۷ش، ص۴۷-۵۴.
- «بررسی مولفه سازگاری مدل هوش هیجانی باران و روش‌های پرورش آن در سنت و سیره امام علی»، آزاده جعفری ـ امیرحسین بانکی‌پور ـ سیده راضی طبئیان، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوره سوم، شماره ۲، ۱۳۹۶ش، ص۲۹۹-۳۲۶.

- «بررسی و تحلیل شادکامی از منظر قرآن»، عباس پسندیده، مطالعات تفسیری، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۹۱ش، ص۴۵-۶۴.
- «تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایت‌مندی از زندگی»، سیامک سامانی - بهرام جوکار - نگس صحراگرد، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، دوره ۱۳، شماره ۳، ۱۳۸۶ش، ص ۲۹۰-۲۹۵.
- «تعدیل کننده‌های واکنش در خوشایند و ناخوشایند براساس احادیث»، عباس پسندیده، علوم حدیث، شماره ۶۸، ۱۳۹۲ش، ص ۵۰-۶۶.
- «حکمت بلایا با تکیه بر آیات و احادیث»، علی کربلایی پازوکی، سراج منیر، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۹۱ش، ص۴۷-۷۴.
- «رابطه بین جزمیت - انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با شادکامی»، حسین مولوی - احمدیار محمدیان - امیر کشاورز، روان‌شناسی، شماره ۴۵، ۱۳۸۷ش، ص۴-۱۹.
- «گونه‌های انعطاف‌پذیری در احکام و قوانین قرآن»، الیاس پورکبیر- عبدالرضا زاهدی - رقیه حبیب‌زاده، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی و علوم انسانی، ۱۳۹۶ش.
- «مواجهه با خشونت در نوجوانان: عوامل شناختی- رفتاری و انعطاف‌پذیری»، بهنوش دشتی - مازیار مرادی - جواد علاقبندراد، تازه‌های علوم شناختی، شماره ۱۸، ۱۳۸۲ش، ص۲۶-۳۶.
- «مولفه‌های احساس سعادتمندی در احادیث با رویکرد روانشناختی»، عباس پسندیده، علوم حدیث، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ۱۳۹۰ش، ص۱۱۹- ۱۴۰.
- «انعطاف در رفتارهای تربیتی - مدیریتی و اجتماعی از منظر قرآن و احادیث»، احمد دستوریان، استاد راهنما: مهدی اکبرنژاد، دانشگاه علوم و معارف قران کریم، دانشکده علوم قرآنی ایلام، ۱۳۹۵ش.

A Practical Guide to Acceptance and Commitment Therapy, Hayes, S.C. and Strosahl, K.D. (2010). Springer Science and Business Media Inc., New York.